

# دستورنامه کسرو

● مریم غفاری جاهد

کارشناس ارشد ادبیات فارسی



## توقیعات کسری انوشیروان

کسری انوشیروان بیست و یکمین شاهنشاه ساسانی پسر قباد (۱۵۳-۵۷۹م) یکی از پادشاهان بزرگ ایران است که از او به عنوان شاه عادل یاد می‌شود. انوشیروان علاوه بر مسلمانان ایران در میان سایر مسلمین نیز شهرت داشته و حکایاتی که در تواریخ موجود است نشان می‌دهد فرمانروایان سرزمین‌های دیگر نیز از سیاست‌های او پیروی می‌کردند: «مسکویه در تجارب الامم حکایت می‌کند که عمر با گروهی از ایرانیان خلوت می‌کرد که سیاست پادشاهان و بالخصوص پادشاهان ایران را و بالاخص انوشیروان را برای او می‌خواندند» (مقدمه مینوی، ص ۱۰)

همچنین سرجان ملکم مؤلف تاریخ ایران می‌گوید: «فرامین انوشیروان از سواحل دریای مدیترانه تا سواحل دریای هند و از ساحل بحر احمر تا بحر خزر و از ساحل بحر اسود تا کنار رود سیحون مورد اطاعت عموم بود.» (مقدمه یانگ، ۳۷)

ویلیام یانگ مترجم انگلیسی کتاب توقیعات، درباره انوشیروان می‌گوید: «یکی از سه پادشاه بزرگی است که در ایران سلطنت کرده‌اند. آن دو پادشاه دیگر یکی داریوش پادشاه سلسله هخامنشیان است ۵۲۱-۴۸۵ قبل از میلاد و دیگری شاه عباس کبیر پادشاه سلسله صفویه است. غالباً انسان در این قرن نوزدهم فراموش می‌کند که تا چه اندازه ایران در تاریخ عمومی بشر تأثیر فاحش داشته است.» (همان، ص ۳۲)

## درباره توقیعات

توقیع عبارتست از آنچه سلاطین و بزرگان در حاشیه یا در پشت عرایض نویسند که باصطلاح امروزی آنرا دستخط می‌گویند. در ابیات شاهنامه نیز لفظ توقیع آمده:

دگر گفت کای شهریار بلند	انوشه بدی وز بدی بی‌گزند
اسیران رومی که آورده‌اند	بسی شیرخوار اندر او بوده‌اند
به توقیع گفت آنچه هستند خرد	ز دست اسیران نباید شمرد
سوی مادرانشان فرستیم باز	به دل شاد وز خواسته بی‌نیاز (ص ۶۲)

■ توقیعات کسری انوشیروان

■ محمد جلال الدین طباطبایی زواری

■ به اهتمام حسن نخجوانی

■ تهران، شفیعی ۱۳۸۷، ۱۸۸ صفحه

توقیعات انوشیروان شامل سؤالات موبدان و وزیران از انوشیروان و

پاسخ انوشیروان به آن هاست. این کتاب که چندین بار در هند به چاپ رسیده و نسخه‌های آن نایاب شده، موسوم به «دستورنامه کسروی» است. اسماعیل امیرخیزی درباره آن نوشته است:

«این کتاب به دستور شاهزاده مرادبخش کوچک‌ترین پسران شاه جهان از شهریاران سلاله تیموری در هند از روی یک نسخه عربی که در آن زمان موجود بوده به پارسی ترجمه کرده و آن را (دستورنامه کسروی) نامیده است... این کتاب حائز (۱۷۳) توقیع از توقیعات انوشیروان است و با آن که چندین بار به طبع رسیده و آخرین چاپ وی در تاریخ ۱۸۹۲ در لکنهو صورت گرفته با وجود این نسخه آن بسیار کمیاب و بلکه در حکم نایاب بود» (امیرخیزی، ۳۷۸)

نخجوانی در مقدمه خود بر این کتاب، درباره آن می‌گوید:

«این کتاب یکی از بهترین مآخذ و آثار دوره ساسانی می‌باشد که مملو است از کلمات حکمت‌آمیز و آداب و رسوم آن زمان و طرز سیاست و حکومت توأم به عدالت آن پادشاه عادل را به بهترین وجهی بیان می‌کند.» (مقدمه نخجوانی، ۲۷)

جلال‌الدین که این کتاب را به فارسی ترجمه کرده ارزش آن را بسیار زیاد می‌داند و درباره‌اش می‌گوید:

«کتابی است متضمن ابواب حکم و آداب مدون از جمله سؤال و جواب که موبدان و دستوران به دستور (کسروی) از سر هر امری از امور و موجب هر بابی از ابواب خاصه احکام و اقوال حکمت اشمال از آن صاحب نصاب کمال نصف پرسیده‌اند رسانیده و از جمله آن استله و اجوبه که هر یک از آن با صد گنج شایگان برایگان ارزان است.» (جلال‌الدین، ۵۳)

این توقیعات که در زمان هرمز بن انوشیروان به زبان پهلوی تدوین و تألیف شده بود، ابتدا از زبان پهلوی و دری به عربی ترجمه شده و ترجمه فعلی از روی ترجمه عربی آنست که در زمان شاه عباس ثانی به قلم میرزا جلال‌الدین طباطبایی ترجمه شده است. مترجم ترجمه عربی را ترجمه سرسری می‌داند: «یکی از ادیبان عهد پیشین آنرا به تازی از لهجه پهلوی و دری ترجمه سرسری نموده» (همان، ص ۵۴)

درباره زمان دقیق اولین ترجمه کتاب اطلاع دقیقی در دست نیست اما مترجم انگلیسی تصور می‌کند این کتاب پس از زمان شاهنشاهی ساسانیان در سال ۶۳۶-۶۵۱ میلادی به عربی ترجمه شده است. اما

اسماعیل امیرخیزی تاریخ ترجمه این کتاب از عربی به فارسی را سال ۱۰۶۲ می‌داند. (امیرخیزی، ۳۷۸) به عقیده مترجم انگلیسی اول از پهلوی به فارسی دری ترجمه شده و بعد از آن عربی... (مقدمه نخجوانی، ص ۲۲)

توقیعات انوشیروان که در شاهنامه فردوسی آمده نیز در داخل متن و در آخر نیز قرار دارد. دلیل این کار چنین گفته شده: «تا خوانندگان خودشان تطبیق نمایند که کدام یک از آن‌ها با پرسش و پاسخ این کتاب مطابقت می‌کند.» (همان، ص ۲۸)

فردوسی سی و شش توقیع انوشیروان از روی نسخه فارسی دری به نظم در آورده است: «قسمتی از کتاب توقیعات فقط سی و شش پرسش و پاسخ به نظم در آورده است و معلوم می‌شود همان ترجمه فارسی دری در دست فردوسی بوده است» (همان، صص ۲۴-۲۵)

اسماعیل امیرخیزی به اشتباه گمان برده توقیعات پایان کتاب از شاهنامه، افزون بر ابیات داخل متن است: «حاج حسین نخجوانی از مردان خیر و تجار محترم آذربایجان ۳۶ توقیع دیگر نیز از شاهنامه استخراج کرده بدان افزوده داشت که در کلیه ۲۰۹ توقیع منسوب بانوشیروان را در آن کتاب به خرج خود به چاپ رسانده.» حال آنکه در مقدمه ذکر گردیده که ابیات دوبار تکرار شده است و همان ۱۷۳ توقیع بیشتر نیست.

### سبک کتاب

مترجم کتاب در عهد صفویه می‌زیسته و در آن عهد نویسندگان به نثر مصنوع و متکلف راغب بودند و این‌گونه نوشتن را کمال فضل خود می‌دانستند: «میر جلال‌الدین طباطبایی در عصر خویش در هندوستان یکی از استادان مبرز نثر فارسی و صاحب سبک و شیوه نوشتار شده و در حق او گفته‌اند که جز شیخ ابوالفضل کسی نتوانسته است تاریخ را به شیوایی او بنویسد.» (مقدمه مینوی، ص ۱۷) به همین دلیل این کتاب دارای نثری سنگین همراه با کلمات عربی و آرایه‌های لفظی و معنوی رایج آن دوره است که فهم معنا را مشکل می‌کند. مجتبی مینوی در این باره می‌گوید:

«انصافاً در انشای این توقیعات مهارتی به خرج داده که آن‌ها را چنین دشوار و در غالب مورد دور از فهم ساخته است عمده علت نامفهومی آن ظاهراً این است که می‌خواسته است هر مطلبی را حتی الامکان به صورت

این توقیعات که در زمان هرمز بن انوشیروان به زبان پهلوی تدوین و تألیف شده بود، ابتدا از زبان پهلوی و دری به عربی ترجمه شده و ترجمه فعلی از روی ترجمه عربی که در زمان شاه عباس ثانی به قلم میرزا جلال‌الدین طباطبایی ترجمه شده است

## دستورنامه کسروی



طاق کسری

۱۳۳۴ نوشته شده است و ضمن توضیحاتی درباره انوشیروان و توقیعات او، فهرستی مختصر از یازده کتاب که اندرزها و حکمت‌ها و نامه‌ها و حکایت‌های عبرت آموز خسرو انوشیروان در آن‌ها چاپ شده آمده است، با ذکر صفحات مربوط درج شده است.

#### ۲- مقدمه حاج حسین نججویی

مقدمه دوم از حاج حسین نججویی در همان سال ۱۳۳۴ است، در این مقدمه هم درباره کتاب توقیعات، ترجمه و محتوای آن توضیحاتی داده شده است.

#### ۳- مقدمه مترجم انگلیسی

این مقدمه ترجمه مقدمه ویلیام یانگ بر کتاب توقیعاتی است که در سال ۱۸۹۲ میلادی به انگلیسی ترجمه کرده است. وی فارغ التحصیل از لندن عضو مؤسسه شاهی آسیا و قاضی دادگستری لکنهو و الله آباد بوده و با مساعدت دو تن از دانشمندان لکنهو، این کتاب را ترجمه به انگلیسی و فارسی توأم نموده به چاپ رسانده و مقدمه‌ای نیز بر آن نگاشته است. وی در مقدمه‌اش ضمن توصیفی از کتاب و دانشمندان هندی که در ترجمه به او کمک کرده‌اند، توضیحاتی درباره تاریخ ایران باستان داده و نمونه‌ای از تاریخ طبری درباره انوشیروان نقل کرده است: «حکایتی از تاریخ طبری که آنرا از سفرنامه مستر ورینگ به شیراز صفحه ۳۱۱-۳۱۳ برداشته ام و معرفی انوشیروان عادل را با آن ختم می‌کنم.» (مقدمه یانگ، ۴۱)

#### ۴- مقدمه جلال الدین طباطبایی

جلال الدین در ابتدای مقدمه خود آخرین جملات مقدمه عربی را نقل کرده است. ابتدا متن عربی است و صفحه بعد با عبارت «و بعد» آغاز می‌شود. ابتدای کتاب به سبک کتب قدیم در مدح شاهزاده مرادبخش

یک عبارت بیان کند و بنابراین جمل را درهم کرده است.» (همان، ۱۸) نمونه‌ای از نثر کتاب را در ذیل می‌بینیم که با جناس و سجع درآمیخته کلماتی چون «مثال، تمثیل، امتثال»، «اصدار، یار، کار» و «آب، ابا» اهتمام مترجم را برای به کارگیری نثر مصنوع و متکلف نشان می‌دهد: «فرمان نافذ به تمثیل این مثال جاوید امتثال اصدار یافت تا مگر آباء سعادت یار ما بنای کار بدین مبنا نهاده اند از انقیاد اوامر آباء خود ابا نمایند.» (ص ۷۳)

همچنین در این نمونه علاوه بر سجع کلمات «کودکان، بی دایگان، فرمان، خدایگان» مطابقت جمع کودک و دایه هم دیده می‌شود: «در جمع اسیران روم بسی کودکان بی‌دایگانند در این باب فرمان خدایگان چیست؟» (ص ۶۲)

### نقد کتاب

کتاب ترجمه توقیعات کسری انوشیروان شامل چهارمقدمه، متن توقیعات و ابیاتی از فردوسی در ترجمه ۳۶ توقیع است.

#### الف - مقدمه‌ها

مقدمه‌هایی که پیش از متن کتاب به چاپ رسیده عبارت است از:

##### ۱- پیشگفتار مینوی

کتاب با پیشگفتار مجتبی مینوی، با مطلبی از نوشته‌های انوشیروان با عنوان «نمودار شهنشاهی» آغاز می‌شود و پس از آن نویسنده توضیح می‌دهد: «عباراتی که نقل شد از سخنان خسرو اول شهنشاه ساسانی بود و قسمتی است از کتابی که آن شهنشاه در باب کار و رفتار و سرگذشت خویش انشا کرده بوده است» (مقدمه مینوی، ص ۹). این مقدمه در تاریخ

توقیع عبارت است از آنچه سلاطین و بزرگان در حاشیه یا در پشت عرایض نویسند که باصطلاح امروزی آنرا دستخط می‌گویند

## دستورنامه کسروی

حراست نفوس نفیسه خسروان را چگونه شاید. (ص ۶۴)  
همچنین نمونه‌هایی دیگر را در زیر می‌بینیم:

### اجرای عدالت درباره همه

توقیع ششم درباره تصرف زمین‌های دهقانان توسط ملکزاده نرسی است. گویا وی زمین‌های دهقانان را که متصل به زمین خودش بوده ضبط کرده و در آن کشت نموده است. انوشیروان او را که پسر کوچک خود است، سست خرد خوانده و دستور ضبط اموالش را داده است: «تا این معنی سبب تأدیب سائر مفسدان و تنبیه سرتاسر خفته خردان گردد.» (ص ۶۵)

### اوضاع لشکر

(۲۶) مرفوع بچه وجه سمت مقصد را در جمله‌ی لشکرکشی‌ها و نهضت‌ها از جمله‌ی معتمدان نهفته می‌دارند؟  
(۲۶) توقیع بجهت آنکه ماده خوف و رجا در همگی اطراف و ارجا از جمیع وجوه و جهات زیاد گردد. (ص ۷۹)

### اعتقاد کسری به خواب و پیشگویی:

(۱۷۰) مرفوع بچه سبب فرموده اند فلان مرد هندی نسب در خاطر راه‌خطور و در دل ما جای قبول دارد؟  
(۱۷۰) توقیع از آن رو که در عالم رویا صادق آنچه اولیا بینند از نیکویی حال و آینده برای ما دیده و این معنی دلالت تمام بر صفا و ولا و داد و صدق عقیدت و اعتقاد او دارد. (ص ۱۷۳)

### توجه به ظاهر درباریان به عنوان تأثیر بر باطن

در مرفوع ۱۶۸ پرسش شده چرا انوشیروان خواسته هرکس به حضورش می‌رود با لباس فاخر باشد؟ در جواب گفته: «بدین وجه وجیه که مبادا صور همگنان بوضع ناپسندیده از راه دیده در آمدن در منظر هفت طبقه حذقه جای گیرد چه پیداست که هر آنچه در مرآت متخیله به هیئت منکر عکس افکند هر آینه دیر سمت زوال پذیرد.» (ص ۱۷۲)

### توجه به امور اقتصادی و نگهداشت حال رعیت

(۱۵۰) مرفوع موجب نهی رعایا از مدافعه اخراج در وقت وجوب اخراج آن چیست؟

(۱۵۰) توقیع باعث منع از این امر ممنوع آنست که اگر به مطالبه ادای آن در یکدفعه مواخذه شوند در آن حالت احوال ایشان نمودار برهنگی درختان باشد در برگ ریزان به موسم خزان (ص ۱۶۲)

با جملاتی چون: «مروج اسلام و مربی مسلمین مقوم ایمان و مقوی مؤمنین سایه‌پرورد فروغ ظل الهی...» (ص ۵۰) همراه با اشعاری در بحر مفعول مفاعیلن فاعولن است و سپس توضیحاتی درباره توقیعات که به نثری همانند نثر توقیعات نوشته شده است.

### ب- متن توقیعات

سؤالات با کلمه مرفوع و پاسخ‌ها با توقیع مشخص شده‌اند به این شکل:

(۱) مرفوع جمهور عوام انام از درگاه سروی درخواه اظهار باعث تکرار عفو از مردم گناهکار با وجود ارتکاب معاصی پی‌درپی می‌نماید؟  
(۱) توقیع گناهکاران در مرتبه بیمارند و ملوک دادور بمنزله طبیبان چاره‌گر چنانچه عود مرض مریض را از معاودت علاج بی‌نیاز نمی‌گرداند هرآینه بازگشت عاصیان را از عفو مستغنی نمی‌سازد: (ص ۶۱) پایان برخی توقیعات ابیاتی از شاهنامه که درباره آن سؤال و جواب است آورده شده است. هر مرفوع و توقیع با سه ستاره جداکننده از مرفوع و توقیع بعدی و یا از ابیات شاهنامه جدا گردیده است.

سؤالات از انواع متفاوتی است گاه درباره دلیل مورد لطف یا غضب واقع شدن برخی نزدیکان شاه است و گاه قضیه‌ای مربوط به رعیت و یا استفتاء درباره مجرمی است. مثلاً سؤال دوم درباره کودکان رومی است که به اسارت درآمده‌اند و دایه‌ای ندارند سؤال می‌شود که با این‌ها چه کنیم:

(۲) مرفوع در جمع اسیران روم بسی کودکان بی‌دایگانند در این باب فرمان خدایگان چیست؟

(۲) توقیع چون منشور عاطفت دستور برسد در همان آن همه نارسیدگان را بجمعی که همگنان را بر امانت و دیانت آنان وثوق باشد بسپارند که در همه راه با همه راه رقت و نرم دلی که سلوک آن خاصترین خصال خواس ملوک است سپرده در مرز و بوم روم جمله را بمادران و خویشان ایشان رسانند. (ص ۶۲)

و همچنین توجه به امنیت مردم را نیز در مرفوع و توقیع چهارم می‌بینیم:

(۴) مرفوع برخی امتعه سالار پاسبانان شهریار را در همین نهضت خسروانی شبروان پنهانی برده‌اند؟

(۴) توقیع هر آن که پاسبانی اموال خسیسه خویشتن از او نیاید

## توجه به شایستگی کارگزاران

(۱۵۱) مرفوع سبب صدور امر عالی بعزل فلان والی چیست؟

(۱۵۱) توقیع آن سست‌رأی خویشتن را به سرانجام کارهای سهل که به اهتمام خردان و اعتنای ناقص خردان راست و درست آید مشغول می‌دارد و اعمال و اشغال عظیمه را که پرداخت آن جز به کوشش عظمای اهل عمل بر نیاید ناقص و معطل می‌گذارد. (ص ۱۶۳)

## ج- اضافات مترجم در برخی توقیعات

امیرخیزی درباره ویژگی این توقیعات و اضافات مترجم می‌نویسد: «توقیع از دو جهت دارای اهمیت می‌تواند باشد یکی از حیث موضوع و دیگری از حیث عبارت و این دو مانند دو کفه ترازوست که باید معادل همدیگر باشد و نباید یکی بر دیگری بچربد تا تعادل از بین نرود و از قدر قیمت سخن کاسته نگردد و اگر موضوع دایر بر امور مهمه‌ای باشد و مبنی بر مصالح عامه در این صورت هر قدر عبارت مفید و مختصر و جامع باشد بهمان اندازه مطبوع و دلپذیر خواهد بود مخصوصاً اگر مقصود با بیان ساده و روشن نوشته شود.» (امیرخیزی، ص ۳۸۹). چنانکه مجتبی مینوی هم تصریح کرده: «امتیاز عمده این توقیعات در موجز بودن آن‌هاست» (مقدمه مینوی، ۱۳)

مترجم رعایت این اصل را نکرده و در برخی موارد که گمان می‌برده متن گویا نیست، مطالبی به سؤال و جواب‌ها افزوده است. در میان کلام اصل و افزوده خود تنها کلمه **انتهی** یا **انتهی** کلامه جدایی می‌افکند که ابتدا خواننده را سر در گم می‌کند.

(۷) مرفوع عامل فلان ناحیه مبلغ سیصد هزار درهم از جمله خزائن خاصه بدون کلمه برمایه محتاجان تقسیم نموده؟

(۷) توقیع رافع مضمون این فصل خیر تضمین بداند که این امر میمون از دائره فرمان ما بیرون نیست انتهی کلامه و مناسب این امر است آنچه در عهد پادشاهان کیوان جاه سپهر سریر مهر کلاه نورالدین جهانگیر شاه خلف پادشاه هفت کشور و جلال الدین اکبر شاه صاحبقرانی کورکانی وقوع یافته... (ص ۶۶)

گاهی به گمان اینکه حرف انوشیروان واضح نیست توقیع را توضیح می‌دهد و کلماتی به مراتب سخت تر از اول به دنبال می‌آورد که کمکی به فهم موضوع نمی‌کند:

(۸) مرفوع خازن خزائن خاص معروض می‌دارد که از فرط اعطا و انفاق خسروی اختلال کلی در اصول جمعیت بیوت اموال راه یافته.

(۸) توقیع خدا موفر مال است نه بخل تو عدل جامع است نه جزوی همت تو ما مستغنی ایم از اعانت تو از فرمان است و بر شما فرمانبری انتهی کلامه تقریر این توقیع آنست که عطیه کبرای جناب کبریایی موجب توفیر و تکثیر خزائن ملوک است نه وفور بخل و امساک گنجور و عدل عام و احسان تام شهریاران عنایت حضرت غنی معنی جل شانه سائر دادگران را از نصیحت دیگران در امور و بر مردمان بذل اطاعت و بردن فرمان. (ص ۶۸)

گاهی سؤال و جواب واضح است و نیازی به توضیح ندارد اما توضیحی بی دلیل توقیع را اضافه کرده است.

(۵۱) مرفوع بچه وجه امر عالی به کندن ابواب منزل فلان والی صادر شد؟

(۵۱) توقیع بسبب حبس نمودن او رسول ما را در درگاه خود انتهی یعنی چون آن مخلوع السعادت فرستاده درگاه خسروی را چندین گاه دروازه ادبار خانه خود موقوف و محبوس داشته بود بلکه از امید بار وصول و راه دخول محروم مایوس گذاشته درین صورت از روی وجوب مکافات بمثل پاداش جسارت آن بی بصیرت سفیه بدینمایه تنبیه ضرورت است. (ص ۵۱)

## د- تاثیر کلمات اسلامی در متن

لحن نثر کنونی کتاب به نثر دوره اسلامی می‌ماند و اگر ندانیم که درچه زمان توسط چه کسی نوشته شده گمان نمی‌رود که این سخنان پادشاه ایرانی باشد، انوشیروان دارای دین زرتشتی بوده و کلمات به کار برده در متن پهلوی نیز باید به آن دین نزدیک باشد که در ترجمه نیز باید رعایت امانت گردد، اما مترجم به دلیل احاطه به کلمات عربی و اسلامی رایج زمان خود و هم به دلیل اینکه از روی متن اصلی کتاب را ترجمه نکرده، کلماتی به کار برده که مربوط به دین و زبان مسلمانان و فرقه‌های کلامی و عرفانی پس از اسلام است. کلماتی مثل:

## تأله:

(۱۶۰) مرفوع بچه وجه در باب وجوب حبس فلان مزور که بزئی تشبه ارباب تأله بر آمده و لباس اهل تقشف بر تلبیس خویش پوشیده..

مترجم کتاب در عهد صفویه می‌زیسته و در آن عهد نویسندگان به نثر مصنوع و متکلف راغب بودند، به همین دلیل این کتاب دارای نثری سنگین همراه با کلمات عربی و آرایه‌های لفظی و معنوی رایج آن دوره است که فهم معنا را مشکل می‌کند

## دستورنامه کسروی

(ص ۱۶۸)

**شرع:**

در توقیع سوم سؤال درباره اموال شخصی ثروتمند می‌شود که آیا رواست او از خزانه بیشتر داشته باشد می‌گوید: «ملک مملوک بحکم عقل و شرع ملک مالک است.» (ص ۶۳)

**حق تعالی:**

(۳۰) مرفوع فلان محتشم‌زاده را به ضعف و وهن و قوت و قدرت و سستی رای و پستی فطرت منسوب داشته‌اند و بدین سبب او را مخذول و منکوب و اگذاشته‌اند؟

(۳۰) توقیع از اینکه قبل از شکوه نمودن به ما از شکایت به سوی حق تعالی برده (ص ۸۲)

**خلود نار:**

(۴۷) توقیع آن سست دین بی دیانت در دار دنیا از طرف ما به کشتن سخت سزاوار است و در آخرت منجانب الله بغایت مستحق عقوبت بشمار و خلود نار (ص ۹۶)

**توحید، ایمان**

(۴۹) مرفوع از چه راه تشخیص فرموده‌اند که فلان شخص موسوم به خداجویی بوده بسمت توحید متسم نخواهد بود؟

(۴۹) توقیع از این رو که در هر آنچه بسمع او می‌رسد بدان ایمان می‌آورد (ص ۹۷)

**۵- اشکالات ظاهری کتاب**

به ویرایش این کتاب توجه کافی نشده، چنانکه دارای اشکالات ظاهری فراوان است و به نظر می‌رسد پس از چاپ ۱۳۳۴ هیچ تغییری در آن داده نشده است. به مواردی از این اشکالات اشاره میشود:

۱- نداشتن فهرست: بهتر بود برای مشخص شدن حدود نوشته‌های کتاب، فهرستی قرار داده می‌شد که جایگاه چهار مقدمه و آغاز متن اصلی را نشان دهد.

۲- سر برگ‌ها: در دو طرف سر برگ‌ها نام کتاب نوشته شده است، در حالی که مرسوم است در یک صفحه نام کتاب و در صفحه کناری عنوان پیشگفتار و مقدمه نوشته شود.

۳- نداشتن تیتیر برای مقدمه‌ها: در ابتدای هیچکدام از چهار مقدمه، نام نویسنده درج نشده و خواننده متوجه نمی‌شود متن پیش رو چیست و چه عنوانی دارد. در ابتدای پیشگفتار اول، عنوان «نمودار شاهنشاهی» درج شده و مشخص نیست که این متن مقدمه است، تا انتهای نوشته که نام مجتبی مینوی را می‌بینیم. مقدمه‌های بعدی نیز به همین نحو است. همچنین مقدمه جلال الدین هم بدون تیتیر است و خواننده ابتدا آن را با متن توقیعات اشتباه می‌گیرد.

۴- ابهام: در شروع اصل کتاب نوشته: توقیعات کسری انوشیروان از اسناد معتبر تاریخی باقیمانده از دوره با عظمت ساسانیان

مجتبی مینوی

هیچ توضیحی مبنی بر اینکه این قسمت چه ارتباطی با مجتبی مینوی دارد نیامده است.

۵- صفحه بندی: در بسیاری از صفحات، نصف یا یک سوم صفحه سفید مانده است.

۶- عدم نشانه‌گذاری: چه در مقدمه چه در متن اصلی از اصول نشانه‌گذاری پیروی نشده است؛ به طوریکه خواننده در برخی موارد دچار مشکل می‌شود. معلوم نیست انتهای جملات کجاست و نقل قول‌ها در کجا آغاز یا پایان می‌یابد.

چنانکه در این عبارات می‌بینیم باید پس از کلمه عربی نقطه تمام جمله گذاشته شود و گرنه با اتصال به کلمات بعدی، جمله دچار تعقید می‌شود: «اول از پهلوی به فارسی دری ترجمه شده و بعد از آن عربی از متون پهلوی و فارسی دری آن سراغی نداریم...» (مقدمه نخجوانی، ص ۲۲)

در سراسر مقدمه‌ها و متن چنین اشکالاتی دیده می‌شود. همچنین در مقدمه‌ها هیچ پاراگراف بندی دیده نمی‌شود و به همان شیوه کتب قدیمی که تمام جملات پشت سر هم ردیف می‌شد باقی مانده و ویرایش نگردیده است.

گیومه‌ها نا به جا به کار برده شده است. در قسمت فهرست کتاب‌ها گاه کل عبارت شامل نام کتاب، نام نویسنده و صفحات مربوطه، گاه فقط نام کتاب گاه محل چاپ و گاه فقط صفحات مربوطه داخل گیومه قرار داده شده و هیچ ترتیب درستی ندارد.

در مقدمه نخجوانی هم هر جا که از کتاب دیگری مثال آورده نقل قول در گیومه نیست. در صفحه ۲۵ نقل قول از مترجم توقیعات بدون اینکه از متن نوشته نخجوانی جدا شود آورده شده است و معلوم نیست نقل قول در کجا تمام می‌شود.

۷- ابیات توقیعات فردوسی: ابیاتی که از شاهنامه در پایین توقیعات قرار دارد بدون مرجع است. همچنین یکبار هم شعری که مربوط به توقیع چهارم است پس از توقیع پنجم آورده است.

۸- جایجایی: در صفحه ۶۶ ذیل توقیع و مرفوع هفتم پیش از آنکه متن تمام شود سه بیت فرموده فردوسی آمده و ادامه متن به صفحه بعد رفته درحالی که پیش از فرموده فردوسی سه ستاره جداکننده قرار داده شده و خواننده گمان می‌برد متن تمام شده.

در توقیع نهم هم در انتهای توقیع که مطلبی افزوده خواسته بیتی از سعدی مثال بیاورد؛ اما پیش از آن فرموده فردوسی را آورده و بعد تک بیت سعدی را. گاهی بین توقیعات ستاره‌های جداکننده هم وجود ندارد.

**منابع:**

- طباطبایی زواری، محمد جلال الدین، توقیعات کسری انوشیروان، به اهتمام حسن نخجوانی، تهران، شفیعی، ۱۳۸۷، ۱۸۸ صفحه
- امیرخیزی، اسماعیل، توقیعات کسری انوشیروان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، اسفند ۱۳۳۴ شماره ۳۵ صص ۳۷۸-۳۹۰